



ماجرای ۳ مجرم حرفه‌ای که با تصادف ساختگی کلاهبرداری می‌کردند

پشت صحنه یک اخاذی جدید

اتفاقی نمی‌افتد. جوان سیاه‌پوش دست‌بردار نیست. دوباره صورتش را با آرنجش می‌پوشاند و دوان دوان به سمت خودرو خیز برمی‌دارد و لگدهای محکم دیگری نثار سپر می‌کند. هدفش مشخص است. می‌خواهد راننده را عصبانی کند تا از خودرویش پیاده شده و با او درگیر شود، اما راننده با خونسردی، از تمام لحظات فیلم می‌گیرد و واکنشی نشان نمی‌دهد. جوان سیاه‌پوش که می‌بیند راننده نسبت به حرکات او بی‌توجه است، دست از لگد زدن برمی‌دارد و این بار با سرعت گرفتن خودرو، عقب می‌ماند.

فیلم، ۳۰ ثانیه بیشتر نیست. خودرویی به آرامی، در حال حرکت است و جوان سیاه‌پوشی، هر چند ثانیه یکبار به سمت خودرو می‌دود و لگدی به سپر آن می‌زند. بعد از لگد زدن، چون می‌داند راننده در حال فیلمبرداری از او است، آرنج دست چپش را روی صورتش می‌گذارد تا چهره‌اش توسط لنز دوربین شکار نشود. خیابان شلوغ است و جمعیت عین مور و ملخ در هم می‌لولند، اما هیچ‌کس، واکنشی به لگدهای مرد نشان نمی‌دهد. انگار نمی‌بینند، انگار که هیچ

لیلا حسین‌زاده
تپش

عملی می‌کردند. پس از این که یکی از این سه سارق، طعمه مناسب را پیدا و با خودرویش برخورد می‌کرد، نفر دوم سارقان به عنوان رهگذر وارد ماجرا می‌شد و با گفتن جملاتی سعی می‌کرد راننده را مقصر جلوه دهد.

بعد ادعا می‌کرد با پلیس تماس می‌گیرد، اما این‌طور نبود و در واقع او با همدست سوم خود یعنی مامور قلابی ناجا تماس می‌گرفت. پس از تماس تلفنی دروغین فرد دوم، مامور قلابی وارد ماجرا می‌شد و به راننده می‌گفت با توجه به صحنه تصادف و نوع برخورد، مقصر شما هستی. رضایت بگیر و خسارتت را پرداخت کن، در غیر این صورت ماشینت می‌خواهد. راننده هم برای درگیر نشدن با مسائل پس از آن، پول می‌داد. این یک نوع سرقت بود، در شکل دیگر، یک نفر از سارقان در حین این‌که دو نفر دارند در مورد مقصر بودن یا نبودن بحث می‌کنند، از این وضعیت سوء استفاده کرده و گوشی تلفن همراه یا کیف راننده را از داخل خودرو سرقت می‌کرد.

آن‌طور که سرهنگ موقوفه‌ای توضیح می‌دهد، هر سه سارق دستگیر شده، هیچ سوءسابقه‌ای نداشتند و جزو اراذل و اوباش منطقه نیز نبودند و منطقه فعالیت آنها نیز اطراف حرم حضرت عبدالعظیم بود.

این باند پس از دستگیری اعتراف کردند که در طول سه ماه فعالیت مجرمانه خود، ۱۵ فقره سرقت انجام داده و از هر راننده بین ۳۰۰ هزار تا یک میلیون تومان سرقت کرده‌اند، اما هیچ خودرویی سرقت نشده است.

ساختگی، راننده که مطمئن بود مقصر این تصادف او نیست، به جای اعتماد به فردی که با پلیس تماس گرفته بود، هوشیاری به خرج داده و گفته بود خودم باید با پلیس تماس بگیرم. در همین حین، وقتی سارقان متوجه می‌شوند که پلیس ۱۱۰ تا دقایقی دیگر در محل حاضر خواهد شد، با راننده درگیر می‌شوند تا فرار کنند. در نهایت پلیس از راه می‌رسد و با تحقیقات اولیه، حقیقت ماجرا آشکار می‌شود.

جانشین پلیس پیشگیری تهران بزرگ در تشریح نحوه فعالیت این باند ادامه می‌دهد: «این باند سه نفره، شامل سه جوان ۲۷ و ۲۹ و ۲۵ ساله بودند که یک نفر از آنها، مامور قلابی با لباس ناجا بود و بیسیم هم داشت. دو نفر دیگر هم به عنوان رهگذر، لباس‌های افراد کم‌برخوردار جامعه را می‌پوشیدند، تا بتوانند با تحریک حس دلسوزی مردم، کلاهبرداری کنند. این باند عمدتاً افراد دارای خودروهای مدل بالا، سالمندان و خانم‌ها را طعمه قرار می‌دادند. به هر حال پرداخت هزینه تصادف برای افراد متمکن چندان اهمیتی ندارد و با فرد تصادفی توافق کرده و مبلغی به او پرداخت می‌کنند. در مورد راننده‌های سالمند نیز با این برآورد که این‌ها توان مراجعه به محاکم قضایی و پاسگاه را ندارند، سعی می‌کردند او را راضی به پرداخت خسارت کنند. آخرین طعمه آنها، خانم‌ها بودند.

برخی خانم‌ها پس از وقوع تصادف، دچار استرس شده و در آن شرایط، قدرت نشان دادن واکنش مناسب را ندارند. سارقان نیز با سوءاستفاده از این شرایط نیت پلید خود را

لگدهای مرد جوان به خودرو جای سوال زیادی داشت، اما واکنش بسیاری از مردم نسبت به این اتفاق در فضای مجازی تا حدود زیادی خنثی بود. شاید اگر دو ورزشکار و هنرپیشه با گذاشتن استوری و پست در فضای مجازی به جان هم می‌افتادند و طرفداران شان نیز با نثار انواع جملات در کامنت‌ها از خجالت هم درمی‌آمدند، یا شاخ‌های مجازی به جان هم می‌افتادند، حسابی سروصدا می‌کرد و حتی پربازدید هم می‌شد، اما از این ماجرا، کک خیلی‌ها نگزید و خیلی راحت از کنار آن رد شدند.

هرچه واکنش فضای مجازی نسبت به این فیلم، کم حرارت بود، اما برای سرهنگ جلیل موقوفه‌ای، جانشین پلیس پیشگیری تهران بزرگ، معنای دیگری داشت. یک اتفاق بسیار جدی بود که ممکن بود برای هر راننده دیگری تکرار شود و وقوع یک جرم و شاید جنایتی را رقم بزند. برای همین در مصاحبه با رسانه‌ها به رانندگان چند هشدار کلیدی داد و گفت: «نباید فریب این رفتارها را بخورند و با خودداری از درگیری، در اولین فرصت با پلیس ۱۱۰ تماس بگیرند.»

در همین اثنا، ماجرای اتفاق افتاد که دست یک باند را برای پلیس رو کرد. سرهنگ موقوفه‌ای در این باره به تپش می‌گوید: «پس از ارائه این توصیه‌ها، کلانتری ۱۷۲ حرم حضرت عبدالعظیم، باندی را شناسایی کرد که با استفاده از همان شوگرهای قبلی، یعنی ایجاد یک صحنه تصادف ساختگی و کوبیدن عمدی خود به خودرو، راننده‌ها را تحریک می‌کردند تا از خودروشان پیاده شوند. در یکی از همین تصادف‌های



سه عضو باند با
نقشه‌ای حساب شده
سراغ رانندگان زن و
سالخورده رفته و با
ایجاد تصادف ساختگی
و پلیس‌بازی، رانندگان
را سرکیسه می‌کردند

